

تقیه مداراتی از دیدگاه امام خمینی (ره)

سید ولی اله مهدوی*

حسین رجیبی**

[تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۷]

چکیده

تقیه مداراتی یکی از اعتقادات کلامی - فقهی شیعه است که امروزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وجود اختلافات مذهبی در جهان اسلام و حمله و تخریب بی‌سابقه‌ای که در عصر حاضر در مورد شیعیان صورت می‌گیرد، تبیین تقیه مداراتی به‌عنوان نشانه اهتمام مذهب شیعه به همزیستی مسالمت‌آمیز و اتحاد صفوف مسلمانان را ضرورتی انکارناپذیر کرده است. این نوع تقیه را که از آموزه‌های دینی نشئت می‌گیرد، بیشتر فقهای امامیه قبول دارند و امام خمینی (ره) آن را راهی در جهت جلب محبت مخالفان بدون ترس از ضرر با هدف وحدت کلمه مسلمانان می‌داند. تحقیق حاضر تقیه مداراتی و احکام آن از دیدگاه امام خمینی (ره) را بررسی می‌کند. ایشان مشروعیت تقیه مداراتی را از روایات و قواعد مستنبط فقهی برگرفته و معتقد است تقیه با اهل سنت از بهترین عبادات به شمار می‌رود. در اندیشه فقهی امام (ره) عمل به مأموریه تقیه‌ای، مجزی است و نیاز به اعاده و قضای آن نیست، ضمن آنکه بنا به مقتضای عموم ادله، همه آثار صحت بر اعمال تقیه‌ای مترتب است.

کلیدواژه‌ها: تقیه مداراتی، امام خمینی (ره)، اهل سنت، اجزاء، مندوحه.

مقدمه

تقیه از اعتقادات کلامی - فقهی شیعه است که یکی از اقسام آن تقیه مداراتی است. این موضوع که از قواعد فقه اسلامی است از ادله روایی و قواعد مستنبط فقهی مانند مصالح عامه مسلمین نشئت می‌گیرد. تقیه مداراتی دارای کارکردهای متعددی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فقهی است. «این قاعده مهم فقهی در دوران ۲۵۰ سال امامت ائمه (ع) یک موضوع مهم تلقی گردیده و پیوسته مورد توجه قرار داشته است؛ اما در اعصار بعد جایگاه واقعی خود را تا حدودی از دست داده، در نتیجه تأثیر اجتماعی آن کاهش یافته است؛ از جمله آنکه بعضی از ابعاد آن مورد تأمل فقهی واقع نشده که نیازمند کاوش و بررسی است، دیگر آنکه چون این نوع تقیه جنبه مدارا با دیگر مسلمانان را در پی دارد، شایسته است محورهای آن با توجه به تغییر اوضاع و احوال اجتماعی مورد بازبینی قرار گیرد» (سروش محلاتی، ۱۳۷۸: ۱۳۸/۳).

بدیهی است در این صورت تقیه مداراتی می‌تواند به‌عنوان قاعده‌ای راهگشا عامل پیوستگی مسلمانان در جهت رسیدن به وحدت و تقریب مذاهب محسوب شود. بنابراین لازم است تقیه مداراتی بر مبنای متون دینی بررسی شود تا نقش واقعی خود را در جوامع اسلامی به‌عنوان منبع انس و الفت بازیابد.

در سال‌های اخیر به این موضوع فقهی، در فضای علمی توجه ویژه‌ای شده و پژوهش‌هایی با موضوع رویکرد مداراتی به تقیه و حد و حکمت آن انجام شده است؛ اما پژوهشی جامع درباره تقیه مداراتی بر مبنای اندیشه‌های فقهی امام خمینی (ره) از جمله موضوعاتی است که کمتر بدان پرداخته شده است؛ بنابراین تبیین دیدگاه امام خمینی (ره) با توجه به نوع نگرش خاص ایشان به تقیه مداراتی از یک سو و نیاز جوامع اسلامی به وحدت کلمه و همزیستی مسالمت‌آمیز از سوی دیگر ضرورت چنین پژوهشی را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

بی‌شک ژرف‌اندیشی و نگرش خاص ایشان به تقیه مداراتی در جایگاه فقهی بزرگ و جریان‌ساز، افق‌های جدیدی را به روی عالم اسلام خواهد گشود؛ شخصیتی که به واسطه برتری آشکار در ابعاد مختلف، همانند جامعیت علمی، ویژگی‌های خاص فردی،

اجتماعی و سیاسی خصوصاً تشکیل حکومت اسلامی، دارای دیدگاه ویژه‌ای در این موضوع فقهی است.

۱. مفهوم‌شناسی تقیه مداراتی

الف) تقیه در لغت

در علم لغت برای واژه تقیه معانی متعددی ذکر شده است. فراهیدی معنای آن را تحفظ و جلوگیری از ضرر می‌داند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۲۳۸). فیومی نیز واژه تقیه را اسم برای فعل «وقی» و به معنای حفظ کردن دانسته است (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۹۲۲).

ب) مدارات در لغت

واژه مدارات از ماده «درأ» و مصدر باب مفاعله است که به معنای نرمی و ملاحظت‌کردن آمده است (طریحی، ۱۴۱۶: ۱/۱۳۷). این واژه در زبان فارسی نیز به کار می‌رود و به معنای با مهربانی رفتار کردن، ملاحظت نمودن و نرمی کردن به کار رفته است (معین، ۱۳۶۰: ۲۸۶).

ج) تقیه مداراتی در اصطلاح فقها

فقهای امامیه تعریف‌هایی برای تقیه مداراتی ارائه کرده‌اند، از جمله: «حسن معاشرت و مدارا با عموم مسلمانان (اهل سنت) و جلب مودت ایشان برای حصول دو هدف مهم از جمله تحقق وحدت کلمه میان مسلمانان، عدم پراکندگی آنان در برابر کفار و دشمنان اسلام، و نیز رفع هرگونه اتهام از مذهب شیعه و جلوگیری از مذمت و خواری شیعیان در برابر دیگر مسلمانان» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۱۵).

یکی از فقهای معاصر نیز در تعریف تقیه مداراتی می‌نویسد: «و گاهی تقیه مداراتی است بدون آنکه ترس یا ضرری بالفعل متوجه شخص شود، و هدف از آن تقیه، جلب مودت عموم مسلمانان (اهل سنت) و ایجاد دوستی با آنها است» (خرازی، بی‌تا: ۲/۱۸۱). امام خمینی (ره) در تعریف تقیه مداراتی می‌گوید: «مراد از تقیه مداراتی حفظ وحدت کلمه بین مسلمانان است که با محبت و ورزیدن نسبت به مخالفین و

دوستی با آنها حاصل می‌شود، بدون اینکه ترس از ضرری وجود داشته باشد» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

۲. ادله تقیه مداراتی

الف) روایات

دیدگاه امام خمینی (ره) در مشروعیت تقیه مداراتی بر روایات باب مدارا با عامه و عموم و اطلاق اخبار تقیه استوار است، ضمن آنکه قواعد مستنبط فقهی از جمله حفظ نظام (بیضه اسلام)، مصالح عامه مسلمانان (مصلحت) و خوف ضرر بر اسلام (لا ضرر) و عقل از دیگر ادله ایشان به شمار می‌رود.

۱. روایات باب مدارا با عامه

روایات باب مدارا با عامه مهم‌ترین مبنای اندیشه امام خمینی (ره) در مشروعیت تقیه مداراتی است. در کتاب *وسائل الشیعه* بابی تحت عنوان «وجوب عشره العامه بالتقیه» به روایات معاشرت با عامه اختصاص دارد. از جمله روایات این باب، روایت هشام بن حکم از امام صادق (ع) است:

سمعت ابا عبدالله (ع) يقول ایاکم أن تعملوا عملاً یعیرونا به فإنّ ولد السوء یعیّر والده بعمله کونوا لمن انقطعتم الیه زیناً ولاتکونوا علیه شیئاً، صلّوا فی عشائرهم وعودوا مرضاهم و اشهدوا جنائزهم ولا یسبقونکم الی شیء من الخیر فأنتم اولی به منهم والله ماعبدالله بشیء احبّ الیه من الخبء قلت: وما الخبء قال: التقیه (حر عاملی، ۱۴۰۴: ۹/ ۴۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۴: ۹/ ۲۱۹): هشام بن حکم گوید شنیدم امام صادق (ع) فرمود: بپرهیزید از کاری که ما با آن سرزنش شویم. همانا فرزند بد با کار بدش، پدر خویش را در معرض سرزنش قرار می‌دهد، برای کسی که [از همه بریده‌اید و] به سوی او روی آورده‌اید زینت باشید نه سبب ننگ. با آنان در میان قبیله‌هایشان نماز بگذارید، مریضان آنان را عیادت کنید، در تشیع جنازه مردگانشان حضور یابید. آنان نباید در کارهای نیک بر شما پیشی بگیرند؛ زیرا شما برای کارهای نیک سزاوارترید. سوگند به خدا

پروردگار به چیزی بهتر از خبء عبادت نشده است؛ پرسیدند: خبء چیست؟
فرمود: تقیه.

- دلالت روایت بر تقیه مداراتی با توجه به دو فعل «کُونُوا» و «صَلُّوا» که هر دو به صیغه امر آمده‌اند، روشن است، ضمن آنکه نکاتی نیز به شرح زیر استنباط می‌شود:
۱. توصیه به اینکه شیعیان باید باعث زینت ائمه (ع) باشند نه سبب ننگ آنان.
 ۲. تأکید امام (ع) بر حضور در مجالس اهل سنت، عبادت از بیمارانشان و حضور در تشیع جنازه مردگانشان.
 ۳. توصیه امام (ع) به حضور در مساجد و اقامه نماز با اهل سنت.
 ۴. تأکید امام (ع) بر مدارا کردن با اهل سنت و شرکت در برنامه‌های مختلف آنان، که این عمل تقیه نامیده شده است.
 ۵. توصیه به اینکه خدای سبحان به عملی محبوب‌تر از خبء عبادت نشده و آن چیزی جز تقیه نیست.
- علاوه بر امام خمینی (ره) فقهای از جمله آیت‌الله خویی، ملا صالح مازندرانی و آیت‌الله حکیم دلالت این روایت بر تقیه مداراتی را پذیرفته‌اند (خویی، ۱۴۱۰: ۳۱۶/۴؛ مازندرانی، ۱۳۷۸: ۱۲۴/۹؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۹۰۳/۲).
- امام خمینی (ره) در مقام بیان دلالت این روایت بر مشروعیت تقیه مداراتی می‌نویسد:

فان الظاهر منها الترغيب في العمل طبق آرائهم و اهوائهم وإتيان الصلوة في عشائرههم و كذا سائر الخيرات - مع ان الإتيان في عشائرههم و بمحضر منهم - مستلزم لترك بعض الاجزاء و الشرائط و فعل بعض الموانع و تذييلها بقوله: «و الله ما عبد الله بشيء» لدفع استبعاد الشيعة صحته العمل المخالف للواقع، فقال: إن ذلك احب العبادات و احسنها» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۶). پس همانا ظاهر این روایت ترغیب به عمل کردن بر طبق آرا و نظر اهل سنت، به جا آوردن نماز در مساجد آنان و همچنین دیگر اعمال خیر است. هر چند اقامه نماز جماعت با آنان مستلزم ترک برخی از اجزا یا شرایط نماز یا انجام برخی از موانع یا از بین

رفتن آنها است، با این وصف امام(ع) می‌فرماید: سوگند به خدا که پروردگار به چیزی بهتر از خبء عبادت نشده است. این کلام امام(ع) دفع بعیدش مردن صحت عمل تقیه‌ای مخالف با واقع است که امام(ع) آن را از بهترین عبادات می‌داند.

روایت دیگری که امام خمینی(ره) در تقیه مداراتی به آن استدلال کرده، روایت عبدالله بن ابی‌یعفور از امام صادق(ع) است که می‌فرماید:

اتَّقُوا عَلِيَّ دِينَكُمْ وَ احْجَبُوهُ بِالتَّقِيَّةِ؛ فَانَّهُ لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، اِنَّمَا اَنْتُمْ فِي النَّاسِ كَالنَّحْلِ فِي الطَّيْرِ وَ لَوْ اَنَّ الطَّيْرَ يَعْلَمُ مَا فِي اجْوْفِ النَّحْلِ، مَا بَقِيَ مِنْهَا شَيْءٌ اِلَّا اَكَلَتْهُ وَ لَوْ اَنَّ النَّاسَ عَلِمُوا مَا فِي اجْوْفِكُمْ - اَنْكُمْ تَحْبُونَا اَهْلَ الْبَيْتِ - لَأَكَلُوكُمْ بِالسُّتْهِمْ وَ لَنَحْلُوَكُمْ فِي السَّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ رَحِمَ اللهُ عَبْدًا مِنْكُمْ كَانِ عَلِيٌّ وَ لَا يَتَنَا (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۲۰۵): دین خود را حفظ نمایید و آن را با حجاب تقیه بپوشانید. همانا کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد، شما شیعیان در میان مخالفان مانند زنبور عسل در میان پرندگان هستید؛ همان طوری که اگر پرندگان آنچه را در دل‌های زنبور عسل هست، بدانند تمام آنها را از بین می‌برند. اگر مخالفان آنچه را در قلب‌های شما وجود دارد، که همانا محبت و دوستی ما اهل بیت است، بدانند، به یقین با زبان‌هایشان شما را از بین می‌برند و زنبوروار شما را در آشکار و نهان می‌گزند. خداوند رحمت کند کسی را که بر ولایت ما باشد.

درباره دلالت این روایت بر مشروعیت تقیه مداراتی امام خمینی(ره) معتقد است: «از آنجایی که در کلام امام صادق(ع) حفظ و اقامه مذهب حق مساوق و ملازم با داشتن دین و تعهد به آیین آن است، لذا عدم رعایت آن موجب جدایی انسان از دین خواهد شد؛ هم چنان که آن امام(ع) در کلام خود با تعبیر "لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ" به این موضوع تصریح می‌نمایند» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۶). بنا به عقیده امام خمینی اعمال تقیه‌ای عامل همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ مذهب خواهد بود.

۲. عموم و اطلاق اخبار تقیه

یکی دیگر از ادله روایی امام خمینی (ره) در مشروعیت تقیه مداراتی، عموم و اطلاق اخبار باب تقیه است. ایشان می‌نویسد:

أنه لاریب فی عموم اخبار التقیه و اطلاقها کصحیحه الفضلاء قالوا سمعنا اباجعفر(ع) یقول: التقیه فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم فقد احله الله له (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/ ۲۰۴) و روایه الأعجمی عن ابی عبدالله(ع) فی حدیث انه قال: لا دین لمن لا تقیه له و التقیه فی کل شیء آلا النبذ و المسح علی الخفین و غیرهما بالنسبه الی اشخاص المتقی و اقسام التقیه علی اشکال فی بعض الصور کالخوف علی إخوانه المومنین بل صدقه فی غیر الخوف علی نفسه واتباعه و عشرته القریبه لایخلو من تأمل لکن مقتضی بعض الروایات أنها أعم» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۱): هیچ شکی در عموم اخبار تقیه و اطلاق آنها بر مشروعیت تقیه مداراتی نیست؛ همان‌گونه که فضلا در حدیث صحیحی می‌گویند از امام باقر(ع) شنیدیم که فرمود: در هر چیزی که فرزند آدم بدان اضطراب پیدا کند، تقیه جایز است و به تحقیق که خداوند آن را بر انسان حلال کرده است و نیز روایت اعجمی از امام صادق(ع) است که آن حضرت(ع) می‌فرماید: «دین ندارد کسی که تقیه ندارد و در هر چیزی تقیه جایز است به جز در شراب و مسح بر خفین و غیر این دو (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/ ۲۱۵). بدیهی است روایات مذکور همه اقسام تقیه را شامل می‌شود مگر مواردی که به دلیل خاص از تحت عنوان عموم و اطلاق اخبار تقیه خارج می‌شوند.

امام خمینی در ادامه می‌فرماید گرچه بیشتر اخبار تقیه ناظر به تقیه از عامه (اهل سنت) است، این اختصاص باعث نمی‌شود آن اخبار را مختص به آنان بدانیم؛ همچنان که می‌نویسد:

لا اشکال فی شمولها بالنسبه الی المتقی منه کافرأکان او مسلماً مخالفاً او غیرهما و کون کثیر من اخبارها ناظراً الی مخالفین لایوجب اختصاصها بهم لعدم اشعارفیها علی کثرتها بذلک» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۱): هیچ اشکالی در شمول تقیه بر شخصی که از او تقیه می‌شود، وجود ندارد، خواه شخصی که از او تقیه

می‌شود، کافر باشد یا مسلمان، مخالف باشد یا غیر مخالف و این موضوع که اکثر روایات تقیه ناظر به تقیه از مخالفان (اهل سنت) است، باعث اختصاص یافتن تقیه از آنان (مخالفان) نمی‌شود؛ زیرا اگرچه اخبار باب تقیه زیادند، دلیلی که آنها را مختص به مخالفان بدانیم، وجود ندارد.

ب) قواعد فقهی

۱. خوف ضرر به اسلام (لا ضرر)

استناد به قواعد مستنبط فقهی از جمله «خوف ضرر بر اسلام» از دیگر ادله امام خمینی (ره) در مشروعیت تقیه مداراتی است. بر اساس قاعده «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» که قاعده‌ای عام و کلی است، احکام ضرری در اسلام نفی شده‌اند. امام خمینی (ره) نیز بر همین مبنا و به دلیل ترس از ضرر به اسلام قائل به وجوب مدارا با عامه شده است. ایشان در این باره می‌نویسد: «گرچه جواز یا وجوب مدارا با عامه متوقف بر خوف از ضرر نیست، اما خوف از وقوع ضرر بر اسلام به خاطر بروز تفرقه میان مسلمانان موجب لزوم تقیه مداراتی است، هرچند شخص متقی کاملاً در امان بوده و هیچ‌گونه نگرانی از ترک تقیه بر خود و دیگری نداشته باشد» (همان: ۷).

گرچه امام خمینی (ره) خوف از ضرر را فقط مختص به تقیه خوفی می‌داند و تقیه مداراتی را اساساً دایر مدار خوف از ضرر نمی‌داند، در کتاب رساله التقیه با روشن‌بینی و نگرش عمیق خود، ترس از ضرر را بسیار شایسته و در شعاعی بسیار وسیع مورد توجه قرار می‌دهد و می‌نویسد: «فتاره تكون التقیه خوفا و اخری تكون مداراه و الخوف قدیكون لأجل توقع الضرر علی نفس المتقی او عرضه، او ماله، او مایتعلق به و قد یكون لأجل توقعه علی غیره من اخوانه المومنین و ثالثه لأجل توقعه علی حوزه الاسلام بأن یخاف شتات کلمه المسلمین بترکها و خاف وقوع ضرر علی حوزه الاسلام لأجل تفریق کلمتهم» (همان).

در نگاه امام خمینی (ره) خوف از ضرر در شعاعی گسترده دارای مراتبی است:

۱. خوف از ضرر به جان و مال یا آبروی شخص تقیه‌کننده؛ ۲. خوف از ضرر برادران دینی و دیگر شیعیان؛ ۳. خوف از وقوع ضرر به حوزه اسلام به سبب بروز اختلاف و تفرقه میان مسلمانان.

از نکات مهمی که امام خمینی (ره) به آن توجه کرده است، علاوه بر حفظ هویت دینی، خوف از ضرر رسیدن به حوزه اسلام به سبب بروز اختلاف میان مسلمانان است که نباید به دلیل رعایت نکردن تقیه مورد تهدید واقع شود؛ موضوعی مهم که در مباحث فقهی امام خمینی (ره) در باب تقیه به صورت مفصل بیان شده است؛ اما در مباحث دیگر فقها از آن غفلت شده است؛ در حالی که ممکن است موجب پدید آمدن شکاف‌های بزرگ در امت اسلامی شود و آن را با خطرهای جدی مواجه سازد.

رویکرد امیر مؤمنان (ع) پس از غصب خلافت و حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و همکاری با دستگاه حکومتی نیز به سبب ترس از وارد شدن ضرر به اسلام بوده است؛ همان‌گونه که حضرت در کلامی راهگشا می‌فرمایند:

فَأَمْسَكَ يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَهُ النَّاسَ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ دِينِ مُحَمَّدٍ (ص) فَخَشِيتُ أَنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ أَنْ أَرَى ثَلْمًا أَوْ هَدْمًا تَكُونُ الْمَصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ قَوْتِ وَلَايَتِكُمْ (نهج البلاغه، نامه ۶۲): من دست باز کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند، پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شما است (شریعتی: ۱۳۸۷، ۱۲۸).

امام علی (ع) خوف از آسیب رسیدن به اسلام و جلوگیری از وارد شدن ضربه به آن را علی‌رغم اعتقاد به غصب خلافت، عامل همکاری خود با دستگاه خلافت می‌داند؛ زیرا حفظ اسلام و مسلمانان برای آن بزرگوار امری حیاتی است؛ بنابراین در طول مدت ۲۵ سال حاکمیت صحابه، از هیچ کوششی در کمک به آنان دریغ نمی‌ورزد.

۲. حفظ نظام (حفظ بیضه اسلام)

یکی از ضرورت‌های جوامع انسانی، قاعده «حفظ نظام» یا حراست از کیان کشور اسلامی و مسلمانان از هجوم دشمنان است. در فقه اسلامی از این قاعده با عنوان «حفظ بیضه اسلام» تعبیر شده است (نائینی: ۱۳۶۱: ۷؛ شریعتی: ۱۳۸۷، ۲۵۴).

امام خمینی (ره) با استناد به این قاعده دفاع از دین و آیین کشور اسلامی را حتی در کنار حاکم ظالم واجب برشمرده است؛ زیرا اهمیت حفظ نظام و هویت جمعی مسلمانان چنین امری را می‌طلبد (امام خمینی، ۱۴۲۵: ۲/۳۲۶؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۵۶).

تأکیدهای پیاپی امام خمینی (ره) بر اتحاد و انسجام امت اسلامی و پرهیز از هرگونه تفرقه در میان آنان ناشی از اندیشه‌های بلند آن بزرگوار در قاعده «حفظ نظام» است (همو: ۱۳۶۷، ۷/۲۵۱ و ۱۹/۴۵۸ و ۳/۳۱۷)؛ زیرا هنگامی که دفاع از دین و آیین کشور اسلامی حتی در کنار حاکم ظالم واجب است، (همو، ۱۴۲۵: ۲/۳۲۶)، به طریق اولی تقیه و مدارا با اهل سنت برای حفظ نظام و کیان اسلام و مسلمانان، واجب خواهد بود (همو، ۱۳۹۲: ۷۱).

آیات و روایاتی که مؤمنان را به اتحاد و یکپارچگی توصیه کرده، آنان را از تفرقه برحذر می‌دارد و نیز بر خوردنکردن امام علی (ع) با مسئله غصب خلافت، همگی به دلیل حفظ نظام امت و تفرقه‌نیفتادن میان آنان است؛ هم‌چنان که حضرت در این باره می‌فرماید: «وایم الله، لولامخافه الفرقه بین المسلمین و أن يعود الکفر ویبور الدین لکننا علی غیر ما کننا لهم علیه» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱: ۳/۶۱)؛ به خدا قسم اگر ترس از تفرقه بین مسلمانان و برگشت به کفر و از هم پاشیدن اسلام و نظام مسلمانان نبود، به‌گونه‌ای دیگر با آنان رفتار می‌کردم.

۳. مصالح عامه مسلمانان (مصلحت)

بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) «مصلح عامه مسلمین و جامعه اسلامی» از جمله وحدت و انسجام بین آنان از ادله مشروعیت تقیه مداراتی است. مشرب این اندیشه «قاعده مصلحت» است که تمامی عرصه‌های فقه را تحت پوشش قرار می‌دهد و بر دیگر احکام و قواعد فقهی مقدم است. امام خمینی (ره) «با اعتقاد راسخ به ثبات احکام و پویایی فقه استدلالی، زمان و مکان را در اجتهاد عنصر تعیین‌کننده دانسته» (شریعتی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) و معتقد است: «تأثیر زمان و مکان به اندازه‌ای زیاد است که حتی موضوع را متحول می‌کند، بدین معنا که موضوع از شکل قبلی خود که حکمی ویژه دارد بیرون آمده، شکل دیگری به خود می‌گیرد و بدیهی است که تبدل موضوعات تغییر احکام را

به دنبال دارد و گاه مصالح عالی حکومت اقتضای آن دارد که حاکم به تناسب زمان و مکان پا را فراتر نهاده، حکمی دیگر صادر کند، که گاه بر احکام اولیه و ثانویه نیز مقدم است» (امام خمینی: ۱۳۶۸: ۲۱/۹۸).

امام خمینی (ره) بر اساس همین اندیشه، مصالح عامه مسلمانان و جامعه اسلامی را از انگیزه‌های مهم تقیه و مدارا با اهل سنت می‌داند و می‌فرماید: «ثم إنّه لایتوقف جواز هذه التقیه بل وجوبها علی الخوف علی نفسه أو غیره، بل الظاهر أنّ المصالح النوعیه صارت سبباً لإيجاب التقیه من المخالفین» (همو، ۱۳۹۲: ۷۱): جواز این تقیه (مداراتی) بلکه وجوب آن متوقف بر خوف بر نفس یا غیر آن نیست، بلکه مصالح نوعیه سبب وجوب تقیه مداراتی با مخالفان شده است.

از نظر امام خمینی (ره) وحدت کلمه امت، انسجام اسلامی و تفرقه‌نیفتادن میان مسلمانان از مهم‌ترین «مصالح عامه مسلمین» است که در تراحم با ترک تقیه و انجام مأموریه واقعی، مصالح نوعیه مقدم، و عمل به آن نه تنها جایز، بلکه واجب خواهد بود (همان: ۷۱).

انگیزه روی آوری و توصیه‌های ائمه (ع) به شیعیان مبنی بر معاشرت با اهل سنت و شرکت در نمازهای جماعت و بسیاری از امور آنان، از باب مصالح عامه مسلمانان بوده است، که به منظور وحدت امت اسلامی و تفرقه‌نیفتادن میان مسلمانان، پیروان خود را به آن اعمال سفارش کرده‌اند.

سیره حضرت امیر (ع) در مدت زمان حاکمیت خود بر ممالک اسلامی و برخورد متفاوت با دشمنان، عزل و نصب‌های مصلحتی، پذیرش حاکمیت بر اساس مصلحت و سکوت مصلحت‌آمیز، همگی حاکی از تأثیر و اهمیت مصالح عامه مسلمانان و جامعه اسلامی با هدف رسیدن به وحدت امت اسلامی و تفرقه‌نیفتادن میان آنان است.

ج) عقل

عقل از دیدگاه امام خمینی (ره) جایگاهی والا دارد. علاوه بر ایشان، صاحب کتاب فقه الصادق (روحانی، ۱۴۱۲: ۱۱/۳۹۲) و نویسنده مهذب الاحکام (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱/۲۴۰) در تشریح ادله مشروعیت تقیه علاوه بر ادله نقلی، برای خرد آدمی نقش اساسی قائل‌اند؛

زیرا همان‌گونه که عقل آدمی در مواقع خطر از هیچ درایتی در دفع آن مضایقه نمی‌کند، بدیهی است درباره مدارای با دیگر مسلمانان نه تنها تقیه را جایز می‌داند، بلکه آن را اساس خرد آدمی برمی‌شمرد؛ هم‌چنان که امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «عنوان العقل مُدَارَاهُ الناس» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۴/۱۳۶): اساس عقل مدارا کردن با مردم است.

امام خمینی (ره) در تأیید حکم عقل بر مشروعیت تقیه می‌نویسد: روابودن بلکه واجب بودن تقیه از روشن‌ترین احکام عقل است. معنی تقیه آن است که انسان حکمی را برخلاف واقع بگوید یا عملی برخلاف میزان شریعت بکند... مثلاً [در] وضو به حسب حکم خدا واجب است از مرفق آب بریزند و پا را مسح بکشند. بعضی از سنّیان را رأی این است که باید از سرانگشتان تا مرفق به‌عکس بشویند و پا را نیز باید شستشو دهند. در این صورت یک وضو بگیرد در بلاد سنّیان، اگر مثل شیعیان وضو بگیرد و جان خود یا مُسلم دیگر در خطر است، در اینجا حکم خدا این است که باید مثل آنان وضو بگیرد و خود را در خطر نیندازد و این حکم مطابق است با حکم قطعی خرد؛ هیچ عقلی نمی‌گوید در این صورت وضو را مثل شیعیان بگیرد (امام خمینی، بی تا: ۱۲۸).

۳. احکام و مسائل فقهی تقیه مداراتی

الف) حکمت تشریح

امروزه نیاز جهان اسلام به وحدت میان مذاهب، موضوعی حیاتی است. امام خمینی (ره) با درک عمیق این مهم، تقیه مداراتی را یکی از عوامل تأثیرگذار وحدت و سبب دوستی بین مسلمانان دانسته و حکمت تشریح آن را حسن معاشرت با اهل سنت بیان کرده است: «التقیه المداراتیه المشروعه لمرعات حسن العشره معهم» (همو، ۱۳۷۳: ۲/۲۳۷): تقیه مداراتی برای حسن معاشرت با اهل سنت تشریح شده است.

در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) تقیه مداراتی در واقع نشان‌دهنده اهتمام مذهب تشیع به حسن معاشرت، همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ وحدت کلمه مسلمانان است؛ هم‌چنان که ایشان در این باره می‌نویسد:

ولعلَّ السَّرْفِيهَا صلاح حال المسلمين بوحده كلمتهم وعدم تفرُّق جماعتهم لكي لايصيروا اذلاء بين سائر المسلمين و تحت سلطه الكفار و سيطره الاجانب او صلاح حال الشيعة لضعفهم خصوصاً في تلك الازمنه (همو، ۱۳۹۲: ۷۰) و شاید سرّ این همه ترغیب به تقیه مداراتی در نظر گرفتن صلاح حال مسلمانان باشد تا با آن (تقیه مداراتی) به وحدت کلمه برسند و متفرق نشوند تا اینکه میان سایر ملت‌های دنیا ذلیل نشده، تحت سیطره بیگانگان و سلطه کفار درنیایند یا اینکه به جهت رعایت حال شیعیان و ضعف آنان مخصوصاً در زمان‌های گذشته است.

ب) حکم تکلیفی و اختصاص آن به عامه

امام خمینی (ره) در ادامه این بحث، با استناد به روایاتی که در باب حفظ مصالح نوعیه مسلمانان وارد شده (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۴۱۷)، به بیان حکم تکلیفی تقیه مداراتی پرداخته است و در جایی هم که خوف ضرر مطرح نباشد، قائل به وجوب آن شده است: «لايتوقف جواز هذه التقية - بل وجوبها - على الخطر - بل الظاهر ان المصالح النوعية صارت سبباً لايجب التقية عن المخالفين فتجب التقية و كتمان السّر و لو كان ماموناً و غير مخالف على نفسه و غيره» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۷۱): همانا جواز تقیه مداراتی - بلکه وجوب آن - متوقف بر خوف بر خود و دیگران نیست، بلکه روایات در باب حفظ منافع و مصالح نوعیه و همگانی سبب وجوب تقیه از مخالفان شده است؛ پس این نوع تقیه و پنهان کردن اسرار واجب است، هرچند شخص در امان باشد و ترس بر خود و دیگران وجود نداشته باشد.

شایان ذکر است امام خمینی (ره) تقیه مداراتی را مختص اهل سنت (عامه) می‌داند و در این باره می‌نویسد: «و اما التقية المداراتيه المرغَّب فيها ممّا تكون العبادت معها أحبُّ العبادات و افضلها فظاهرهاختصاصها بالتّقيه من العامه، كما هو مصبّ الروایات على اكثرها» (همان: ۷۰): و اما تقیه مداراتی که به آن ترغیب شده است، محبوب‌ترین و بافضیلت‌ترین عبادات محسوب می‌شود و اختصاص به مسلمانان اهل سنت دارد، همان‌طور که این مطلب مصبّ روایات کثیری است.

ج) حکم صحت نماز جماعت با اهل سنت

مبنای اندیشه امام خمینی(ره) در حکم به صحت نماز جماعت با اهل سنت روایاتی است که شیعیان را به حضور در مساجد و اقتدای به نماز جماعت با اهل سنت ترغیب می‌کند. از آن جمله می‌توان به صحیح‌ه حماد بن عیسی از امام صادق(ع) اشاره کرد: «عن ابی عبدالله أنه قال من صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (همو، ۱۴۰۹: ۵/ ۳۸۰): امام صادق(ع) فرمود: هرکس با اهل سنت در صف اول آنان نماز بگذارد مانند کسی است که پشت سر رسول‌الله(ص) در صف اول نماز اقامه کرده است.

امام خمینی(ره) درباره دلالت این روایت بر صحیح بودن اقامه نماز جماعت با اهل سنت در تقیه مداراتی معتقد است: «لاریب إنَّ الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) صَحِيحَةٌ ذَاتَ فَضِيلَةٍ جَمَّةٍ، فَكَذَلِكَ الصَّلَاةُ مَعَهُمْ حَالِ التَّقِيَةِ» (همو، ۱۳۹۲: ۵۹): هیچ شکی نیست که نماز با رسول خدا(ص) صحیح و دارای فضیلت فراوان است؛ بنابراین اقامه نماز جماعت با اهل سنت در حال تقیه علاوه بر صحت آن دارای اجر و پاداش فراوانی نیز خواهد بود.

روایت دیگری که امام خمینی(ره) بر صحت نماز جماعت با اهل سنت به آن استناد می‌کند، صحیح‌ه حفص بن البختری است که از قول امام صادق(ع) نقل می‌کند: «عنه قال: يحسب له اذا دخلت معهم و إن كنت لا تقتدى بهم، مثل ما يحسب لك اذا كنت مع من تقتدى به» (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۸/ ۲۹۹): امام صادق(ع) به حفص بن بختری فرمود: اگر با اهل سنت وارد نماز شوی، گرچه به آنان اقتدا نکنی، همان اندازه برای تو فضیلت نوشته می‌شود که پشت سر کسی که اقتدا به او صحیح است، نماز گزارده باشی.»

از این بیان امام(ع) علاوه بر صحت نماز جماعت با اهل سنت، فضیلت تقیه و مدارا با آنان نیز برداشت می‌شود.

روایت اسحاق بن عمار از دیگر ادله‌ای است که امام خمینی(ره) در این باب بدان استناد کرده است: «فی حدیث قال: قلت لابی عبدالله(ع): إني ادخل المسجد فأجدوا الامام قد ركعَ و قد ركعَ القوم، فلا يمكنني اوؤذن واقیم واكبر، فقال لي: فاذا كان ذلك،

فادخل معهم فی الركعه و اعتدبها فانها من افضل ركعاتك» (همان: ۸ / ۲۳۰): اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم من وارد مسجد (اهل سنت) می شوم و می بینم که امام جماعت همراه با مأمومان به رکوع رفته اند، در این هنگام برایم ممکن نیست که اذان و اقامه و تکبیر بگویم و نماز خودم را بخوانم، حضرت (ع) فرمود: همراه با آنان به رکوع برو، آن را یک رکعت به شمار آور؛ زیرا آن رکعت از بهترین رکعات نماز تو است.

بدیهی است از این سخن امام (ع) ساقط شدن قرائت و صحیح بودن نماز و افضل بودن این رکعت نسبت به رکعات دیگر فهمیده می شود؛ به عبارت دیگر مناسبت حکم و موضوع، بر سقوط قرائت و صحت آن رکعت دلالت دارد، ضمن آنکه از مجموع روایات یادشده علاوه بر صحت نماز جماعت با اهل سنت، فضیلت تقیه مداراتی نیز استنباط می شود.

د) اجزاء و عدم اجزاء

از دیگر موضوعات مهم در مبحث تقیه مداراتی مسئله اجزاء است. اجزاء مصدر باب افعال و از ماده «جَزَأً» به معنای کفایت کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۶۲/۶). در فقه این کلمه به همان معنای لغوی یعنی کفایت کردن به کار رفته است (محقق خراسانی، ۱۴۰۹: ۸۲). امام خمینی (ره) در رساله التقیه بابی را با عنوان «اجزاء و عدم اجزاء» آورده است. بنا به نظر ایشان در این باب: «مسئله اجزاء (کفایت) و عدم اجزاء (عدم کفایت) درباره مأموریه ای است که به صورت تقیه ای مانند ترک جزء یا شرط یا مانند آن انجام شده است؛ مثلاً نماز را بدون سوره یا با لباس نجس خوانده است و... اما درجایی که به دلیل تقیه اصل مأموریه را ترک کرده، مثل اینکه در روز عید اهل سنت به جهت تقیه روزه نگرفته یا نماز را ترک کرده، بحث از اجزاء معنا ندارد و باید اعاده یا قضا کند؛ بنابراین در بعضی عبارات فقها که حکم این دو به صورت یکسان آمده است، صحیح نیست» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۸).

مهم ترین ادله اجزاء از دیدگاه امام خمینی (ره) روایات اند که به آنها در تقیه اضطراری، تقیه اتیان مأموریه برخلاف حق و تقیه مداراتی استناد شده است، و از

آنجایی که به نظر ایشان روایات استنادی در تقیه اتیان مأموریه برخلاف حق، شامل تقیه اضطراری و تقیه مداراتی نیز می‌شوند، در ادامه به بحث درباره ادله این دو نوع تقیه می‌پردازیم:

۱. تقیه اتیان مأموریه برخلاف حق: بنا به عقیده امام خمینی (ره) روایتی که بر اجزا و کفایت عمل در تقیه اتیان مأموریه برخلاف حق دلالت دارد، موثقه مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: «تفسیر مایتنقی: مثل آن یکون قوم سوء ظاهر حکمهم و فعلهم علی غیر حکم الحق و فعله، فکل شیء یعمل المومن بینهم لمکان التقیه - مما لا یودی الی الفساد فی الدین - فأنه جائز» (همان: ۸۰): تفسیر آنچه در آن تقیه می‌شود: مانند این است که انسان در میان قوم بدکار دارای سلطه قرار گرفته باشد که احکام و رفتارشان نیز برخلاف حق و دستورهای شرع باشد؛ پس مادامی که عمل او مستلزم وقوع فساد در دین نباشد، تقیه جایز است.

امام خمینی در توضیح این حدیث می‌فرماید: «بی‌شک جواز همان تأیید است و اینکه آن چیز چه تکلیفی و چه وضعی تجویز شده است، پس صحت عمل و امضای آن از حدیث فهمیده می‌شود». ایشان همچنین معتقد است این روایت و روایات مشابه بر مجزی بودن مصداق تقیه‌ای مأموریه - اعم از موارد تکلیفی و وضعی - دلالت دارد، ضمن اینکه دلالت این دسته از روایات عمومیت دارد و علاوه بر اینکه شامل تقیه اضطراری است، تقیه مداراتی را نیز در بر می‌گیرد (همان: ۴۹).

۲. تقیه مداراتی: مهم‌ترین دلیل اندیشه امام خمینی (ره) بر اجزای در تقیه مداراتی، صحیح‌ه هشام بن حکم از امام صادق (ع) است که شیعیان را به عمل طبق آرای اهل سنت و حضور در نماز جماعت آنان تشویق می‌کند و حال آنکه انجام دادن عمل طبق نظر اهل سنت مستلزم ترک بعضی از اجزا و شرایط و انجام بعضی از موانع است؛ اما حضرت (ع) در پایان روایت، چنین عملی را از بهترین عبادات می‌داند و می‌فرماید: «و الله ما عبد الله بشیء احب الله من الخباء قلت و ما الخباء؟ قال: التقیه» (حر عاملی، ۱۴۰۴: ۹/ ۴۱۷): سوگند به خدا که پروردگار با چیزی بهتر از خباء عبادت نشده است. روای سؤال می‌کند منظور از خباء چیست. امام (ع) در جواب می‌فرماید: تقیه.

از سخن امام صادق (ع) فهمیده می‌شود: ۱. شیعیان باید به این‌گونه اعمال رغبت نشان دهند و در مواقع لزوم، طبق آرا و نظر اهل سنت عمل کنند. ۲. امام (ع) با این سخن هرگونه شک و تردیدی که ممکن است به ذهن شیعیان در مورد صحیح نبودن چنین اعمالی متبادر شود، برطرف می‌کند و این نوع عبادت و تقیه (مداراتی) را از محبوب‌ترین اعمال شیعیان برمی‌شمارد.

ه) ترتب آثار صحت بر اعمال تقیه‌ای

امام خمینی (ره) در ادامه این مبحث با استناد به اطلاق و عموم روایاتی از جمله سخن امام صادق (ع) که می‌فرماید «التقیه فی کلّ شیئ یضطرّ الیه ابن آدم فقد احله الله له» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/ ۲۰۴)، قائل به ترتب آثار صحت بر اعمال تقیه‌ای در احکام و موضوعات است. هم‌چنان که در این باره می‌نویسد:

اولیعلم ان استفاد من تلك الروایات صحته العمل الذی یؤتی به تقیه سواء كانت التقیه لاختلاف بیننا و بینهم فی الحکم، كما فی المسح علی الخفین و الافطار لدی السقوط او فی ثبوت الموضوع الخارجی، کالوقوف بعرفات الیوم الثامن لاجل الهلال عندهم والظاهر عدم الفرق بین العلم بالخلاف والشک (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۵۹): این‌گونه روایات بر صحت عمل تقیه‌ای نیز دلالت دارند، خواه تقیه بودن آن به سبب اختلاف ما با آنان در حکم باشد، مانند مسح بر روی کفش و افطار در موقع غروب خورشید یا اختلاف در ثبوت حکم موضوع خارجی باشد، مثل وقوف در عرفات در روز هشتم به سبب ثبوت رؤیت هلال نزد اهل سنت و ظاهراً در این جهت فرقی بین علم به خلاف واقع بودن و شک وجود ندارد (مرادخانی و محسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۷/ ۹۴).

و) اعتبار یا عدم اعتبار مندوحه

یکی از مباحث مهم در تقیه مداراتی اعتبار یا عدم اعتبار مندوحه است. مندوحه در لغت از ماده «ندح» و به معنای وسعت آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/ ۱۸۳) و در اصطلاح فقهی به معنای راه گریز و توانایی مکلف از انجام دادن مأموریه با تمام اجزا و شرایط است (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴/ ۳۸). «منظور از مندوحه در این مبحث راه گریز و چاره از

لحاظ مکانی و زمانی است؛ به عبارت دیگر بحث در این است که آیا در تقيه کردن مندوحه مطلقاً معتبر است یا اینکه فقط در برخی مواقع باید لحاظ شود؛ مثلاً آیا شخص متقی که مجبور به تقيه است، باید همه راه‌های فرار و گریز از تقيه بر او بسته شده باشد و هیچ چاره‌ای در انجام عمل از سر تقيه نداشته باشد تا نجات یابد، یا خیر در صورت وجود راه فرار و خلاصی، نباید تقيه کند و صبر نماید تا مثلاً زمان بگذرد و یا مکانش را تغییر دهد و یا با حيله‌های دیگر عمل را طبق مذهب حق با تمام اجزا و شرایط انجام دهد؟» (اوحدی، ۱۳۸۹: ۹۴).

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره اعتبار یا عدم اعتبار مندوحه در تقيه، بر اساس روایات است. ایشان در این باره می‌نویسد:

والتحقیق هو اعتبار عدم المندوحه فیما اذا كانت التقيه من غیر المخالفین مما كان دلیلهما مثل حدیث الرفع وقوله: «التقيه فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم» (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۸/ ۶۶۸) و قوله: «التقيه فی کل ضروره» (همان: ۲۱۴) و عدم الاعتبار اذا كانت من المخالفین مطلقاً (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۴): هرگاه تقيه از غیر مخالفان باشد (از غیر اهل سنت باشد) نظر صحیح این است که عدم مندوحه (وسعت و امکان فرار نداشتن از عمل تقيه‌ای) معتبر و شرط است، به دلیل حدیث رفع و قول امام صادق (ع) که فرموده است: «تقيه در مواردی است که انسان به آن اضطرار پیدا کند و ناگزیر شود» و نیز فرمایش دیگر امام (ع) که می‌فرماید: «در هر اضطراری تقيه است» (مرادخانی و محسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۷/ ۹۹) و در صورتی که تقيه از اهل سنت باشد، عدم مندوحه معتبر نیست.

بنابراین اگر شخصی متقی در برخورد با اقلیت‌های غیرمسلمان راه چاره‌ای برای نجات از انجام اعمال تقيه‌ای دارد، نباید تقيه کند و عدم مندوحه معتبر است؛ زیرا عنوان اضطرار و ضرورت در اینجا وجود ندارد؛ اما اگر تقيه از مخالفان (اهل سنت) باشد، عدم مندوحه مطلقاً معتبر نخواهد بود. همچنین در سخنی دیگر از امام خمینی (ره) آمده است: «و اما ما یتستفاد حکم من سائر الأدله التي تختص ظاهراً بالمخالفین فالظاهر أنه لا یعتبر فیها عدم المندوحه مطلقاً، فمن تمکن من إتیان الصلوه بغير وجه التقيه لا یجب علیه إتیانها

کذلک: بل الراجح إتیانها بمحضر منهم علی صفة التقیه» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۷۷): اما در مورد تقیه در برابر مخالفان (اهل سنت)، آنچه که از حکم دیگر ادله‌ای که اختصاص به تقیه در برابر آنان دارد، فهمیده می‌شود، آن است که عدم مندوحه مطلقاً شرط نیست؛ بنابراین کسی که توانایی اقامه نماز به صورت واقعی را دارد، چنین عملی بر او واجب نیست، بلکه به‌جای آوردن نماز در حضور مخالفان و بر طبق تقیه رجحان دارد.

به اعتقاد امام خمینی (ره) موضوع اعتبار یا عدم اعتبار مندوحه در اعمال تقیه‌ای جاری است. شخصی که قادر به نمازگزاردن آزادانه و بدون تقیه و خوف در سرزمین‌های اهل سنت است، عمل تقیه‌ای بر او واجب نیست، بلکه راجح این است که با حضور در جماعات آنان، نماز را طبق مذهب آنان به جا آورد و نیازی به تغییر مکان از مسجد یا بازار آنان و خواندن نماز در جای امن و به دور از چشم آنان نیست، بلکه ادله تصریح دارند که حضور و همراهی در نماز آنان رجحان دارد، به طوری که شرکت در نماز جماعتشان همسو و نظیر نمازگزاران پشت سر رسول خدا (ص) شمرده شده است (همان: ۷۴-۷۳؛ اوحدی، ۱۳۸۹: ۹۶).

ز) ترک تقیه و بطلان یا عدم بطلان عمل

یکی از مباحث مهم در تقیه مداراتی این است که آیا ترک تقیه و انجام فعل برخلاف آن باعث باطل شدن عمل مکلف می‌شود یا خیر؛ مانند جایی که مکلف باید از روی تقیه در وضو، پاهایش را بشوید، اما مسح می‌کشد. امام خمینی (ره) ترک تقیه و انجام عمل برخلاف آن را، چه در جایی که تقیه واجب نفسی است، (مانند تقیه در حفظ اسرار مذهب) و چه در آنجایی که تقیه واجب غیری است (مانند تقیه به سبب ترس از جان، آبرو و مال)، باعث باطل شدن عمل نمی‌داند و در این باره می‌نویسد: «لو ترک التقیه و أتى بالعمل علی خلافها فمقتضى القواعد صحته أسواء قلنا بانها واجبه او الإذاعه مُحَرَّمه، اوهی مُحَرَّمه وتلك واجبه وذلك لأن الامر بالتقیه لایوجب النهی عن العمل وكذا النهی عن الإذاعه لایوجب سرایته الی عنوان العمل، لما حقق فی محلّه من إن الامر بالشیء لایقتضى النهی عن ضده والنهی عنوان لایمکن سرایته الی عنوان آخر» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸). ایشان با استناد به اقتضای اطلاق روایات معتقد است:

مقتضای قواعد، مطلقاً صحت آن عمل است و فرقی نیست که قائل شویم به اینکه تقیه واجب بوده و ترک تقیه و افشاگری حرام، یا اینکه تقیه در آن فعل حرام و افشاگری واجب بوده است؛ دلیل آن هم این است که امر به تقیه موجب نهی از انجام اعمال خلاف تقیه نمی‌شود یا نهی شارع از اشاعه موجب سرایت آن نهی به عنوان عمل نمی‌شود؛ زیرا در علم اصول بیان شد که امر به شیء مقتضی نهی از ضد آن نیست و نهی از عنوانی، باعث سرایت آن نهی به افعال صادره برخلاف آن نمی‌شود (مرادخانی و محسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۷/۸۹).

ح) عدم وجوب اِعمال حيله

امام خمینی (ره) در رساله التقيه بابی را تحت عنوان «عدم وجوب اِعمال حيله» مطرح کرده و به صورت مفصل مطالبی را یادآور شده است. ایشان ضمن استدلال به روایاتی از ائمه هدی (ع) وجوب حيله کردن در اِعمال تقیه‌ای را منتفی دانسته است و نه تنها به‌کارگیری چنین روش‌هایی را واجب نمی‌داند، بلکه آنها را مرجوح می‌شمارد؛ زیرا توصیه‌های ائمه هدی (ع) در مدارای با اهل سنت به‌گونه‌ای است که با به‌کارگیری حيله منافات دارد. هم‌چنان که در این باره می‌فرماید:

لازم نیست که افراد به اِعمال حيله متوسل شوند و با حيله خود را از حضور در جماعت آنها خلاص کنند؛ زیرا برخی از روایات صراحت در آن دارند که حضور در جماعت آنها اقامه نماز با آنها فضیلت دارد و همانند نمازگزاردن با پیامبر اکرم (ص) است. بدون تردید این‌گونه ترغیب‌ها از سوی ائمه هدی (ع) با به‌کارگیری حيله منافات دارد؛ به‌عنوان مثال در روایت امام صادق (ع) پس از امر به نمازخواندن با اهل سنت، آمده است خداوند به بهتر و محبوب‌تر از تقیه عبادت نشده است؛ بنابراین مجالست با آنها و جلب محبتشان مطلوب بوده و نمازخواندن با ایشان محبوب‌تر است و این‌گونه روایات با اِعمال حيله ناسازگار است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷۶-۷۵).

امام خمینی (ره) در پایان این مبحث ضمن رد دیدگاه یکی از فقهای معاصر (خویی،

پی‌تا: ۲۲۵) در خصوص برخی حيله‌ها از جمله نماز جماعت صوری که در برخی

روایات بر لزوم اعاده نماز پس از جماعت با اهل سنت یا ادای نماز قبل از جماعت با آنان تأکید شده است، با بررسی این روایات، سند دلالت هیچ‌یک از آنها را تمام ندانسته و نوشته است: «در قبال روایاتی که [نماز] جماعت با اهل سنت را صحیح می‌داند، معارضی وجود ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۷).

امید است اندیشه‌های والای امام خمینی (ره) در باب تقیه مداراتی که از مبانی فقهی استوار آن بزرگوار نشئت گرفته است، بتواند چراغ راه وحدت امت و انسجام جوامع اسلامی به‌ویژه مصلحان و منادیان تقریب مذاهب قرارگیرد.

نتیجه‌گیری

از مجموعه آنچه بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. مراد از تقیه مداراتی در اندیشه امام خمینی (ره) ایجاد وحدت کلمه بین مسلمانان به سبب دوستی با اهل سنت و جلب محبت آنان بدون ترس از ضرر است.
۲. از دیدگاه امام خمینی (ره) تقیه مداراتی درحقیقت نشان‌دهنده اهتمام مذهب تشیع به همزیستی مسالمت‌آمیز است.
۳. جواز تقیه مداراتی و بلکه وجوب آن متوقف بر خوف بر خود و دیگران نیست، بلکه روایات در باب حفظ مصالح نوعیه، سبب وجوب تقیه در برابر اهل سنت است.
۴. بنا به مفاد روایات مداراکردن با اهل سنت و شرکت در برنامه‌های عبادی و اجتماعی آنان تقیه محسوب می‌شود که از آن به‌عنوان محبوب‌ترین عبادت یاد شده است.
۵. روایات باب مدارا با اهل سنت و اطلاق و عموم اخبار تقیه مهم‌ترین ادله مشروعیت تقیه مداراتی از دیدگاه امام خمینی (ره) هستند.
۶. استناد به قواعد مستنبط فقهی مانند حفظ نظام، مصالح عامه مسلمانان و خوف ضرر بر اسلام نیز از دیگر ادله فقهی امام خمینی (ره) به شمار می‌رود.
۷. عقیده امام خمینی (ره) در مسئله اجزاء (کفایت) و عدم اجزاء (عدم کفایت) درباره مأموریه‌ای که به صورت تقیه‌ای انجام شده، عدم اعاده و قضای آن است.
۸. بنا به دیدگاه امام خمینی (ره) در اعمال تقیه‌ای حکم صحت جاری است، چه در

احکام و چه در موضوعات.

۹. حکم صحت نماز جماعت با اهل سنت و فضیلت داشتن آن از آرای امام خمینی (ره) است.
۱۰. امام خمینی (ره) در تقیه با مخالفان (اهل سنت) عدم مندوحه را معتبر نمی‌داند؛ اما با غیرمخالفان (کفار) عدم مندوحه مطلقاً معتبر است.
۱۱. امام خمینی (ره) به مقتضای اطلاق و عموم ادله معتقد است همه آثار صحت بر اعمال تقیه‌ای مترتب است.

پی‌نوشت‌ها

۱. خبّاء: بنا به بیان امام (ع) در روایت مذکور، به اعمال تقیه‌ای که شیعیان با هدف جلب محبت مخالفان انجام می‌دهند، خبّاء یا تقیه گفته می‌شود.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- اوحدی، ذبیح‌الله (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی تقیه در آرای شیخ انصاری و امام خمینی (ره)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بجنوردی، حسن بن آقابزرگ (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حکیم، سیدمحسن (۱۴۰۴ق) مستمسک العروه الوثقی، قم: مکتبه آیت‌الله‌العظمی مرعشی.
- حکیم، سیدمحمدسعید (۱۴۱۷ق)، مصباح المنهاج، [بی‌جا]: مکتبه سماحه آیت‌الله حکیم.
- خرازی، محسن (بی‌تا)، بدایه المعارف الهیه، قم: مؤسسه هدف.
- خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، کفایه الاصول، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۰۶)، شرح غررالحکم و درر الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روحانی، محمدصادق (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق، قم: مؤسسه دارالکتب.
- سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام، قم: دفتر آیت‌الله سبزواری.
- سروش محلاتی، محمد (۱۳۷۸)، «حد و حکمت مدارا»، میقات حج، ش ۳.

- شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷)، *قواعد فقه سیاسی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، *مجمع البحرین*، تهران: [بی‌نا].
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق)، *احکام الواضحه*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، قم: انتشارات هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۴ق)، *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محمدری شهری، محمد (۱۴۲۱ق)، *موسوعه الامام علی بن ابیطالب*، قم: دارالحدیث.
- مرادخانی، احمد و محمدصادق محسن‌زاده (۱۳۹۰)، «تقیه از دیدگاه فقهی امام خمینی (ره)»، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه*، ش ۳۷.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۷)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *المکاسب المحرمه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲)، *الرسائل العشره*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۵ق)، *تحریر الوسيله*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، *کشف الاسرار*، [بی‌جا]، [بی‌نا].
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم (بی‌تا)، *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*، [بی‌جا]، [بی‌نا].
- نائینی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۱)، *تنبيه اللامه و تنزیه المله*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، محمدحسن (بی‌تا)، *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.